

## معرفی نسخه خطی هفت منظر اثر ملا عبدالله هاتفی خوشانی جامی (متوفی ۹۲۷)

علی محمد پشت‌دار<sup>۱</sup>  
فاطمه اکبری<sup>۲</sup>

### چکیده

ملا عبدالله هاتفی خوشانی جامی خواهرزاده عبدالرحمن جامی شاعر و عارف ایرانی قرن نهم است. چهار کتاب *لیلی و مجنون*، *شیرین و خسرو*، *هفت منظر*، *تمرثامه* (*ظفرنامه*) را به تقلید *خمسه* نظامی به نظم کشیده است. *مثنوی هفت منظر* در داستان بهرام گور، در برابر *هفت پیکر* نظامی است. *مثنوی‌های نظامی* بارها از سوی شاعران بعد از او تقلید شده است. داستان‌های بزمی پس از نظامی، با همه پیشرفت‌هایی که داشته، دچار نوعی رکود نیز بوده است، زیرا نظامی به عنوان شاعری صاحب‌سبک، این نوع شعر را به چنان کمالی رساند که داستان‌سرایان پس از وی، نه تنها نتوانستند در آن تحولی ایجاد کنند بلکه از رسیدن بدان قله رفیع نیز محروم شدند.

این *مثنوی بزمی نوزده بخش* دارد. بخش اول در حمد و ثنای خدا و بخش دوم در نعت پیامبر و در نصیحت فرزند است. بخش چهارم در سبب نظم کتاب است. بخش پنجم، متن اصلی و آغاز داستان است. پس از هر بخش اصلی، بخشی وجود دارد که افسانه‌ای در مورد خواب پادشاه گفته است. واژگان کلیدی: *هفت منظر*، ملا عبدالله هاتفی (خرج‌ردی)، *نسخه خطی*.

۱. استادیار دانشگاه پیام نور مرکز تهران.  
۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

## ۱. احوال هاتفی

نام او در آثار معاصران شاعر، افرادی چون امیرعلیشیر نوایی<sup>۱</sup> و خواندمیر<sup>۲</sup> و ظهیرالدین بابر میرزا و سام میرزای صفوی و امیر مختار و دیگران «عبدالله» ضبط شده است، اما در جلد هفتم روضه‌الصفی چاپ ۱۳۰۸ ه.ق، در هندوستان نام او «عبدالحی» قید شده است. برخی مؤلفان معاصر چون میرزا مدرس تبریزی در ریحانة‌الادب به استناد این منبع نام هاتفی را عبدالحی نوشته‌اند.

تخلص شاعر «هاتفی» است، اما نام و نسب یا کسب و کار او در منابع نزدیک به عصر وی، ذکر نشده است. از مؤلفان معاصر اسماعیل پاشا البغدادی در کتاب هدیه‌العارفین و اسماء‌المؤلفین و آثار‌المصنفین نام پدر شاعر را «محمد» ضبط کرده است، وی می‌نویسد: «عبدالله بن محمد هروی متخلص به هاتفی ابن اخت المولوی عبدالرحمن جامی...».

بر خلاف نوشته اسماعیل پاشا البغدادی صاحب تذکره میخانه، به استناد نوشته امیر مختار در مخزن‌الخبار، هاتفی را از خواجه‌های صاحب‌جاه خرگرد به حساب آورده است.<sup>۳</sup> مادر شاعر، دختر مولانا نظام‌الدین احمدین شمس‌الدین محمد دشتی خواهر مولانا عبدالرحمن جامی است.

## زادگاه شاعر

هاتفی در خرگرد جام متولد شده است، در این باره صاحب تذکره تحفه سامی که از معاصران شاعر است. چنین می‌نویسد: «مولانا عبدالله در خرگرد که از قصبات خراسان است و مولد اوست چهارباغی ساخته است و در آنجا متوطن شده است».<sup>۴</sup>

لطفعلی بیگ آذر و عبدالغنی فرح‌آبادی نیز در تذکره‌های خود شاعر را «خرجردی» دانسته‌اند، اما برخی از مؤلفان معاصر زادگاه هاتفی را بی‌ذکر دلیل «خبوشان» قید کرده‌اند؛ از جمله علینقی منزوی و ابن یوسف شیرازی و محمدعلی مدرس تبریزی او را «خبوشانی جامی» دانسته‌اند؛ حال آنکه در آثار نزدیک به عهد شاعر از این نسبت خبری نیست.

## تحصیلات شاعر

هاتفی نزد دایی‌اش عبدالرحمن جامی به تلمذ پرداخته است. وی از پرورش‌یافتگان انجمن فضلی هرات است که در اواخر عهد تیموریان رونقی داشته است.

۱. مجالس‌النفاوس، ص ۳۰.

۲. خلاصه‌الخبار، ص ۱۱۸.

۳. تذکره میخانه، قزوینی، ملاعبدالنبی فخرالزمان. تذکره میخانه، به اهتمام احمد گلچینف ص ۱۱۲.

۴. به نقل از تذکره میخانه، قزوینی.

## معاصران او

هاتفی اوایل عهد صفویه را نیز درک کرده و سفرهایی به هرات نیز داشته است. او با امیر علیشیر نوایی و سلطان حسین بایقرا ملاقات کرده است. وی با آصفی از مریدان جامی و مظفر حسین میرزا و بدیع‌الزمان میرزا، پسران سلطان حسین بایقرا دوستی و معاشرت داشته و ظاهراً مثنوی تمرنامه را به درخواست بدیع‌الزمان میرزا سروده است.

## سیره شاعر

هاتفی به مدح پادشاهان و امیران وقت علاقه‌ای نداشته و روزگار خود را با زراعت می‌گذراند.

## طریقت هاتفی

هاتفی، در طریقت، پیرومشایخ کبرویه بود. او در کنار باغ خود خانقاهی ساخت و در آن مشغول عبادت بود. در سنه ۹۱۷ هـ.ق که شاه اسماعیل صفوی به قصد دیدار شاه قاسم انوار به تربت‌جام آمده بود، هاتفی را به حضور پذیرفت و او را به نظم فتوحات خود مأمور کرد. سرانجام هاتفی در زادگاهش به سال ۹۲۷ هـ.ق از دنیا رفت و در همان باغی که خود ساخته بود به خاک سپرده شد.

## آثار هاتفی و سبک سخنوری او

هاتفی در سرودن انواع شعر مهارت داشت و در ساختن ماده‌تاریخ خود را برتر از خاقانی و در غزل برتر از امیر خسرو دهلوی می‌دانست. ولی عمده مهارت وی در مثنوی‌سرایی بود. و چهار مثنوی از خمسه نظامی را جواب گفته است. لیلی و مجنون در برابر لیلی و مجنون نظامی، به نام امیرعلی شیر نوایی است که بیت اول آن را جامی سروده است. دیگری مثنوی شیرین و خسرو در برابر خسرو و شیرین نظامی، به نام امیر علیشیر نوایی است. مثنوی تمرنامه یا ظفرنامه یا تیمور نامه در شرح فتوحات تیمور است در برابر اسکندرنامه نظامی، دیگری مثنوی هفت منظر در داستان بهرام گور است در برابر هفت پیکر نظامی. اثر دیگر شاهنامه هاتفی یا شاهنشاه نامه به امر شاه اسماعیل در شرح فتوحات اوست که ناتمام مانده است. اثر دیگر دیوان اشعار اوست مشتمل بر قصاید، رباعیات، غزلیات و قطعات و ساقی‌نامه.<sup>۱</sup> از میان این آثار ظاهراً مشهورترین همان خمسه هاتفی است و از دیوان او کمتر سخن به میان آمده است. یکی از مؤلفان معاصر ابن یوسف شیرازی در این باره نوشته است: «گذشته از این پنج مثنوی آثار دیگری از هاتفی در دسترس نیست... ولی دیوان قصاید و غزلیات داشته است».<sup>۲</sup> مثنوی هفت منظر که در جواب هفت پیکر نظامی یا بهرام‌نامه پس از داستان شیرین و خسرو سروده شده

۱. صفا، ۱۳۷۸:۲۵۵ با تصرف.

۲. نشتر عشق، ص ۷۳۶.

معرفی نسخه خطی هفت منظر / علی محمد پشت‌دار - فاطمه اکبری

است. امیر علیشیر نوایی از این مثنوی در *مجالس النفایس* نام برده است.

## ۲. معرفی نسخه‌های خطی این متن

از مثنوی هفت‌منظر ۱۱ نسخه در دسترس است. نسخه حاضر (کتابخانه ملی ملک) جزء معدود نسخ خطی فارسی است که بسیار خوانا و تمیز است با شماره ۵۶۰۰، این اثر مشتمل بر ۸۵ صفحه و هر صفحه ۱۲ سطر اصلی و ۱۴ سطر حاشیه به خط نستعلیق نوشته شده است. این نسخه قدیم‌ترین نسخه موجود است.

نسخه حاضر جزء مثنوی‌های بزمی تلقی می‌شود. در مجموع این اثر از آثار بزمی عصر صفویه است که تاکنون ناشناخته مانده است. این مثنوی بزمی غلط‌املائی انگشت‌شماری دارد و از نظر عیب قافیه جز در چند مورد، مشکل خاصی ندارد و بسیار روان و روشن سروده شده است. همچنین کلمات عربی نیز در آن بسیار محدود است.

## ۳. نسخه‌های دیگر هفت‌منظر در ایران

۱. ملک ۹۲۹ هـ؛ عبدالله هاتفی
۲. سپهسالار ۹۸۰ هـ (خمسه هاتفی: لیلی و مجنون، هفت منظر، تمرنامه یا ظفرنامه)
۳. سپهسالار ۱۰۰۰ هـ (خمسه هاتفی: لیلی و مجنون، هفت منظر، تمرنامه یا ظفرنامه)
۴. سپهسالار ۱۰۰۰ هـ. (خمسه هاتفی: لیلی و مجنون، هفت منظر، تمرنامه یا ظفرنامه)
۵. نشریه ۱۰۹۴ هـ. هفت منظر هاتفی.
۶. نوربخش هفت منظر، ملا عبدالله هاتفی خوشانی جامی (م ۹۲۷)
۷. سپهسالار خمسه هاتفی، ملا عبدالله هاتفی خوشانی جامی متوفی به سال ۹۲۷.
۸. نشریه، هاتفی، هفت منظر.
۹. نشریه، هاتفی، هفت منظر.
۱۰. سپهسالار، هاتفی خوشانی، هفت منظر.
۱۱. ملی، هاتفی خرجردی.

## ۴. برخی ویژگی‌های محتوایی نسخه

این مثنوی بزمی نوزده بخش دارد. بخش اول در حمد و ثنای خدا و بخش دوم در نعت پیامبر و در نصیحت فرزند است. بخش چهارم در سبب نظم کتاب است. بخش پنجم متن اصلی و آغاز داستان است. پس از هر بخش اصلی، بخشی آمده که افسانه‌ای در مورد خواب پادشاه گفته است. بخش نوزدهم در مورد خاتمه کتاب و شکایت مدعی است.

## ۵. ویژگی‌های زبانی و رسم‌الخطی متن

- ۱- حروف اضافه و نشانه به کلمه متصل نوشته شده است، مانند: بیحد (ص ۱۴)
- ۲- به جای «گ»، «ک» نوشته شده است که در بازنویسی از رسم‌الخط کنونی پیروی شده است، مانند: زندگی (ص ۱)
- ۳- به جای «پ»، «ب» نوشته شده است مانند:
- ۴- به جای «ج»، «چ» نوشته شده است، مانند: جمن آرای (ص ۱)
- ۵- در جمع کلماتی که به «ها» غیر ملفوظ ختم می‌شود، «ها» آخر کلمه حذف شده است مانند: رسته‌های (ص ۱)
- ۶- جدا نوشتن «ب» زینت در فعل امر و «ن» نفی در فعل منفی، مانند: به‌بینند (ص ۳۰)
- ۷- غلط‌های املائی، مانند: گذف ← گزاف (ص ۷)
- ۸- اسم اشاره به کلمه بعد متصل نوشته شده است؛ مانند: آنزمان
- ۹- در بعضی موارد «ت» به صورت «ة» آمده است، مانند: جهة (ص ۱۲)
- ۱۰- آوردن «ا» به صورت «آ»، مانند: جوآبها (ص ۱۴)
- ۱۱- آوردن «اعتماد» به صورت «اعتمید»، «سیاه» به صورت «سیه»، «افتاد» به صورت «فتاد»، «نیشتر» به صورت «نشتر».
- ۱۲- آوردن همزه به جای «ی»، مانند: خوئی (ص ۱۶)
- ۱۳- اسم اشاره به حرف قبل متصل نوشته شده است، مانند: کاین (ص ۴۰)

## ۶. مقایسه متن دو نسخه

به غیر از ابتدای دو نسخه که تفاوت‌های خیلی زیادی با هم دارند، بقیه صفحات نسخه‌ها تفاوت چندانی با هم ندارند.

## ۷. تطبیق دو نسخه

نسخه کتابخانه ملی ملک (مل) نسخه اساس با شماره ۵۶۰۰ آغاز:

ای نگارنده صحیفه غیب	نام تو صدر صفحه لاریب
نقش پروانه کارخانه کن	کارساز جهان بی سر و بن
دو جهان زاده‌ای تو از قلمت	زندگی بخش انس و جان کرمت
این همه نقش‌های گوناگون	آمد از کلک قدرت تو برون
دارد این هفت گنبد دوار	از مدارای حکمت تو مدار

سایه آفتاب تو خورشید  
آفتاب از تو سایه جاوید  
انجام:

طی کن این نامه شکایت را  
نسخه کتابخانه ملی (ملی)، با شماره ۳/۲۶۴۰.  
آغاز:

ای نگارنده صحیفه غیب  
نقش پروانه کارخانه کن  
قلم صنعت از نسیان نیست  
نقش بستی بنای ؟ سداد  
دارد این هفت گنبد دوار  
اول و آخر همه ذرات  
در همه ظاهری ظاهر نی  
هیچکس رو به کار تو نبرد  
انجام:

طی کن این نامه شکایت را  
بر همین ختم کن حکایت را

نسخه‌های خطی شناخته‌شده هفت منظر هاتنی عبارتند از:

نسخه شماره ۸۸۸/۲ (۲۱ رمضان ۱۲۸۱/۱۷-۲-۱۸۶۵) و ۲۶۶۵/۲ (از چهار قسم مثنوی) اول و آخر ندارد  
(۴ صفر ۱۸۹۷/۲۸-۶-۱۵۷) انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم تاجیکستان [ص ۳۹-۳۴]، نسخه ۱۰۸۷/۲  
(۱۹۰۰/۱۳۱۸) انستیتوی خاورشناسی بنام ابوریحان بیرونی آکادمی علوم ازبکستان [ص ۱۴، ۲۴۱]، نسخه  
شماره ۴۴۹ کتابخانه دولتی بنام س- شندرین شهر لنینگراد [ص ۲۶، ۳۸۴]. نسخه شماره‌های ۱۹۱۹/۵-C  
و ۲۳۵۳-B انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی شعبه لنینگراد [ص ۱۰، ۶۰۹].  
در فرنگ نسخه‌های خطی مثنوی هفت منظر در فهرست‌های زیر قید شده است:

دو نسخه در Add، در فهرست Rieu، یک نسخه در Add سده هفدهم یا هجدهم میلادی)، در  
فهرست Bzoune، یک نسخه در فهرست ethe, Sachau، سه نسخه در فهرست Blochet، یک  
نسخه در فهرست Sprenger، یک نسخه در فهرست ابن یوسف شیرازی، یک نسخه در فهرست Mehzen یک  
نسخه در فهرست Jvanour، یک نسخه در فهرست Aumez موافق اخبار Mapp یک نسخه خیلی  
عالی این مثنوی را وحید دستگردی در اختیار داشته است. Rieu در فهرست خود خبر داده که نسخه‌های  
خطی هفت منظر در کتابخانه شهر Copenhagen و فهرست Stew-ant قید شده است.  
جمع نسخه‌های شناخته شده ۲۲ نسخه است.

## ۸. ارزیابی کلی

### ۱. ارزش ادبی اثر

این نسخه از جهت رسم الخط و خوانایی خوب است؛ جز چند مورد کلمه ناخوانا و غلط که در پاورقی به آن اشاره شده است، محتوای آن جز در موارد اندک با نسخه بدل مشترک است. از نظر ادبی نیز بسیار ارزشمند است و ابیات پرمغز و قوی دارد و قافیه‌های آن نیز قوی است و شاعر در آوردن قافیه در اجبار نبوده است، بلکه قافیه‌ها بسیار روان و بامعناست.

۲. میزان موفقیت شاعر در تقلید از نظامی

شاعر به شیوه‌ای هنرمندانه از نظامی تقلید کرده است به گونه‌ای که ابیات سست نیست و بسیار پرمغز و استوار سروده شده است و از نظر مضمون جایی کم نیاورده است.

۳. جایگاه این اثر در میان مقلدان نظامی

شاعر در تقلید از نظامی از میان شاعران دیگر بسیار موفق تر بوده است و مؤید این امر نسخه‌های متعددی است که از اثر وی به جا مانده است.

### منابع

۱. خواندمیر، غیاث‌الدین (بی تا). خلاصه‌الخبار، نسخه خطی انستیتو خاور شناسی، لنینگراد.
۲. صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات در ایران جلد ۵، فردوس، تهران، ۱۳۷۸.
۳. قزوینی، ملا عبدالنبی فخرالزمان. تذکره میخانه، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران، ۱۳۴۰.
۴. عظیم‌آبادی، حسینقلی خان. بی تا، نشتر عشق، نسخه خطی، کتابخانه انستیتو خاورشناسی علوم ازبکستان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰





# هفت منظر

## بسم الله الرحمن الرحيم

اولی نگاره زنده تخیلیه شب	نام زنده تخیلیه شب	نقاش همون زکافانگن	کاتب زجهان پارسون
دوم سرشت‌های کرناگون	آثار زکافیت تیرون	قلم‌نویس تیرسبلاست	لوح محفوظت زبستان
نقش‌های بنای سنج‌سلا	گت‌نشان کو بود و نه‌سلا	دارواری خت‌کنند و دوار	ازواری گت‌تج مدله
اولی اثر تخته‌ذرات	همه‌ذرات غایت	در تخته‌ذراتی ظاهر فی	کس در اندیشه تو ما هر فی
چهارمین نگاره نوش‌بند	توزار رنگ گت‌سبند	کاهوشی فی کج‌سبند	کاه‌قارون زو به‌سبند
نقش‌های رباب‌نغمه	که به‌چرخ‌نغمه‌نامه	چهارمین چرخ‌نغمه‌نامه	بجنا توج و توج‌نغمه
حقیقت‌نغمه در تو	حقیقت‌نغمه در تو	سایه آفتاب زخ‌نغمه	آفتاب نغمه‌نغمه‌نغمه
نهمین دیوار تو گری‌ساز	در ایوان گت‌گری‌ساز	دیواری گت‌گری‌ساز	که چه هر گری‌ساز
چهارمین دیوار تو ای‌معبود	چهارمین دیوار تو ای‌معبود	بر است‌سپان به‌نغمه	و اعدالین گت‌نغمه‌ساز
یک‌سومین دیوار تو ای‌نغمه	که در پیش‌گت‌نغمه‌ساز	بسته‌راوی توج‌نغمه‌ساز	نغمه‌کار گت‌نغمه‌ساز
دو‌سومین دیوار تو ای‌نغمه	بجز این دیوار تو ای‌نغمه	و دین توج‌نغمه‌ساز	آن‌نغمه‌ساز گت‌نغمه‌ساز
تمامی شان‌نغمه‌ساز	سرت بر در گت‌نغمه‌ساز	مکتب‌نغمه‌ساز گت‌نغمه‌ساز	نغمه‌ساز گت‌نغمه‌ساز

پیام بهارستان / ۴۳، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

از پدجکت چون بسج نید چاره نبر از کبر بسج نید بر عرض من چون سینه آید روی ز پار در گریز آورد  
 رفت از نوزاد اولی خرم کجا است نه بیانه برون کن نیست کوزه مفلوم که چو سان مرد و کلا این بوم  
 ستم کار و شکر چنان بر باد که بزم زده زنت سلم ایام از زبان زنت چنان بهرام که نه از روی نشان عاقل نام  
 این دو طاعت سالی سنج که بارت بود کج برست و کار بر سر دست که کند سر کجی مار و بست  
 سر بر زوش چنان کسین آنچه هم نماید آن سسین دل نه بر جهان چکاسج کاه اولی آخرش بود اسج  
 شکر کاین نام خرقه نسیم و بر عنوان زین کلاب نسیم لاله کاین صحنه راز نهیاست سبزه آواز

بنام سبزه سینه سینه شوقی و کینه بستاری خانه که بریز

کردم انضالی از دجیون	کینه بر تالی مکتون	یکیک لعل زنا سفته	سر بر کتلهای ناکفته
ساختم گلشای منظر	در صفای قعاش در ما	هفت شکر گلشن عم برشت	هفت زن بر سوا هفت بست
بسندهم نقشهای رسیده	خاطر فروز کول رسیده	برو کشف نایاب	یکیک طرفه گتلهای غریب
هفت منظر نهاد خوش نام	که چه بسج نه او گشت تمام	کوته اندیشه زده انش کم	خورد او غصه زار که در شکم
بر کشا دوازده نعلی لب	هر زمان کت پیروزه جرت	استرانه است نامیده وی	یکی از دم و بگری از روی
پی لعل فصل دراز کارش	موجب خنده هم بر شمش	کاش که سر کجی خوش بود	بازه رو به جیب خیش برود
در سمانه من خود نگرد	یکند گفته یک نزار و	ذره باشدش کو آرام	دارد از قافلی غلابی غم

در میان چوبسته نیزی  
 غیر کذب تکلیف جزی  
 تا نفعی از جهای و هر سال  
 روده چو پیش این کوی خصال

سینه غاص که در او آرام  
 سینه غاص که در او آرام  
 سینه غاص که در او آرام  
 سینه غاص که در او آرام

سینه غاص که در او آرام  
 سینه غاص که در او آرام  
 سینه غاص که در او آرام  
 سینه غاص که در او آرام

پیام بهارستان / ۴۰، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

